

ن کتابی که آنها مقایسه با مقاله ۵۰ و ۵۱ در آن مقاله ن که آن مقاله  
( مذکور است ) که در این کتاب در این کتاب در این کتاب در این کتاب

بفاهل فن مراجعه کنند و با اعتماد به نظر و رأی و تشخیص آید  
ن آیه ای که در این کتاب در این کتاب در این کتاب در این کتاب  
ن آیه ای که در این کتاب در این کتاب در این کتاب در این کتاب

# اسرائیل و فلسطین

اسلام در فلسطین - مسیحیان و فلسطین -

جنگهای صلیبی - دیشه تمدن اروپا - بلای استعمار

انقلاب اعراب علیه دولت عثمانی اسلامی - قرارداد

سایکس بیگو - و عده بالفور - عوامل تشکیل

حکومت غاصب اسرائیل - حیلہ های استعمار -

مهاجرت یهود به فلسطین - انتقال اراضی به یهود

امتیازات سیاسی و اقتصادی - شورش اعراب -

## مشمول بر مباحث

تقسیم هدف نهائی استعمارگران - همه اعراب در

صف ضد تقسیم - بازم مکر و حیلہ - امریکا

و دخالت بیجا - سازمان ملل متحد یا شریک جرم

مدعیان عدالت و ظلم فاحش - انگلستان فلسطین

و تخلیه میکند - اسرائیل اعلان استقلال میکند

- کمکهای استعمارگران با اسرائیل - مسلمانان

آواره - معمای آواره گان یاروزنه امید - خطر

یهود - مبارزه با اسرائیل و مقاله را با جمله ای که

امیر مؤمنان ابن عباس در خطاب کرد با زبان میدهم لا تخصمهم

دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد ، جمعی از اعراب که بعداً بنام کنعانیون و فنیقیون خوانده شدند بنای زندگی را نهادند ، و مدت هزار و پانصد سال فلسطین را در دست داشتند ، پس از آنها فلسطینیون عبرانیون قضا ، حضرت داود ؛ حضرت سلیمان ، مملکتکه بنی اسرائیل ، مملکتکه یهودا ، ملوک فرس ، اسکندر مقدونی ، مکابیون ، انباط ، رومیان ، بزنطه مسلمین ؛ نصاری صلیبی ، انگلستان و اسرائیل با ترتیب هر یک برای مدتی در این سرزمین حکومت داشته اند .

فلسطین در تمام روی زمین تنها نقطه ایست که در نظر پیروان سه مذهب بزرگ آسمانی مسلمین ، نصاری و یهود ، در نهایت درجه قداست و ارزش معنویست و به همین جهت ، همیشه مورد توجه اینها بوده و برای تصرف آن و زندگی در آنجا حد اکثر کوشش را مینمودند و لذا این سر زمین بیشتر از هر نقطه دیگر شاهد حوادث و تحولات بوده است .

فلسطین در سینه فراخ خود از تاریخ هر یک از ملل مذکور بد و خوبی هائی ضبط کرده ، این منطقه مقدس شاهد عظمتها ، ذلتها ؛ تمدنها ، تعرضها ، جنگها ، صلحها ، فتحها ، شکستها ، عدلها ، ستمها بوده و همه حوادث را برای معرفی اقوام و ملل مختلف برای ما بیازگار ضبط کرده است و در پرونده هائی که با اسم هر یک از این ملل برای تفاوت باز شود میتواند صدق گویائی باشد .

چون منظور مادر این مقاله اینست که خوانندگان محترم را به ماهیت دولت غاصب اسرائیل که فعلاً مقداری از فلسطین را اشغال کرده

است آشنا کنیم پرونده‌ای که بازمینمائیم طرفین مخصوصه در آن مسلمین و بهبودند و نصاری هم در این پرونده نقش شریک ظلم را دارد؛ لذا از سوابق تاریخی فلسطین صرف نظر کرده، و فقط بحوادث مربوط باین پرونده اشاره میکنیم و خواننده محترم را دعوت مینمائیم که با توجه بمندرجات این پرونده در سبک رفتار و روح تعلیمات موجود صاحبان پرونده بدون تعصب قضاوت فرماید (۱).

### اسلام در فلسطین

فلسطین از هفتصدسال قبل از ورود مسلمین بعنوان جزئی از منطقه شام زیر سلطه حکومت رومیان بوده و در زمان طلوع اسلام در اثر محاربات پی در پی که بین روم و ایران در میگرفت وضع بسیار آشفته و متزلزلی داشت.

مسلمین با نشاط و تازه نفس باسانی این سرزمین را از دست رومیان گرفتند، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در اواخر عمر خود لشکری بریاست اسامة بن زید برای فتح شام تهیه دید ولی قبل از آنکه لشکر حرکت کند حضرت وفات نمودند، سپس ابوبکر در تاریخ ۱۰۰۰ باین منظور لشکری اعزام نمود و بآنها دستور داد «از جنایت و تند روی اجتناب کنید، نباید که بچه‌ها و پیر مردان و زنان را بکشید، اعضاء بدن کسی را قطع نکنید در ختان را نبرید و نسوزانید حیوانات را بی جهت نکشید» این لشکر قسمت های جنوبی شامات را گرفتند، و

(۱) کتاب مبسوطی برای تشریح کامل قضیه فلسطین در دست تهیه است

بعد قسمتهای شمالی هم جزء متصرفات اسلامی درآمد. زبانتان انجام دادند و در فلسطین از این سخنها بود  
 تواریخ مسلمین و غیر مسلمین و ورود مسلمین را در این منطقه و رفتار آنان  
 را با ملت مغلوب بسیار ستوده اند، ما برای نمونه چند جمله از نوشته های  
 دیگران را مینویسیم.

دکتر گوستاو لیبون مستشرق معروف مسیحی فرانسوی در کتاب

« تمدن اسلام و عرب » صفحه ۱۵۸ چاپ چهارم میگوید :

« عرب با معدودی وارد شهر بیت المقدس شد از سفر و

نیوس بطریق خواست که باهم رفته مقامات مقدسه را زیارت

کنند و امر کرد منبادی ندا کند که حفظ اموال و معابد

این شهر را ما خود عهده دار هستیم حتی مسلمین مجاز نیستند

در کلیسیاها نماز بخوانند

و در صفحه ۱۸۱ همین کتاب میگوید :

« پس از چهار ماه محاصره سفر و نیوس مجبور به صلح

شد ولی شرط نمود که کلیدهای شهر و قلعه ها را خودش بدست

شخص خلیفه مسلمین بدهد اعراب این شرط را پذیرفته، و بخلیفه

ثانی عمر اطلاع دادند عمر تنها از مدینه حرکت نمود و لوازم

او یک شتر و مشک و انبان از نان جو و برنج و میوه خشک

بیش نبود او وارد بیت المقدس شد و نسبت به مردم شهر با کمال

ملاطبت رفتار نمود در رسوم، عادات، مذهب، جان و مال و متاع با آنها

آزادی کامل داد مسلمین نسبت بسکنه شام تا این اندازه حس

همدردی بروز دادند که اهالی شیفته این رفتار شدند و طبعاً بنای

اطاعت را گذاشته تا اینکه بتدریج بمیل خود مذهب قدیم

خود را ترک گفته و مذهب و زبان فانیین را اختیار کردند .

است مسیحیان و فلسطین ان لا یقینتم لمن یخبره من المؤمنین و المؤمنات  
 نصاری از اینکه سرزمین مقدس فلسطین تحت تصرف مسلمین بود  
 و بین آنان و قبر معبودشان (اینها معتقدند که عیسی (ع) کشته شده و  
 در بیت المقدس مدفون است) جدائی افتاده بود بسیار نگران و مضطرب  
 بودند تعصبات مذهبی حسد و کینه نسبت به مسلمین و عوامل دیگری آنها  
 را برای يك حمله آماده میکرد گرچه مسلمین اغلب مانع آمد و رفت  
 آنان و زیارت اماکن مقدسه نمیشدند مخصوصاً از زمان هرون الرشید  
 که بین او و شارلمان امپراطور فرانسه روابط حسنه برقرار شد نصاری  
 خیلی آزادانه دسته جمعی و انفرادی به بیت المقدس می آمدند و همیشه  
 از خوش رفتاری مسلمین برخوردار بودند .  
 در آن او آخر تغییر وضع اخلاقی مسلمین مخصوصاً خشونت  
 تر کمانهای صاحب فلسطین از یکطرف و شرارت و بی ادبی و وحشیگریها  
 زائرین نصرانی که اغلب آنها مردم شیرین و آلوده ای بودند که تحت  
 تعلیم کشیشها زحمت ، سفر فلسطین را برای امحاء گناهان خویش منحل  
 میشدند ، باعث برخورد های شدیدی بین مسلمین و این زائرین شرور  
 میگردد؛ بی تزیینی ، وحشیگری ، تعصبات مذهبی جرات دیده ، کینه  
 و حسد مسیحیان از یکطرف ، خشونت ، غرور ، قدرت همراه احساسات  
 دینی مسلمانان از طرف دیگر مرتباً صحنه های فجیعی که اغلب یا همیشه  
 ذلت و شکست مسیحیان را نتیجه میداد ایجاد میکرد .  
 گوستا و لبون میگوید یکی از زائرین بنام پیرارمیت که سابقاً  
 سپاهیگری داشته و اخیراً خود را تارك دنیا معرفی کرده بود و در صف

رهبانان انجام وظیفه مینمود و در فلسطین شاهد یکی از این صحنه‌ها بود تحت تأثیر شدید واقع شده بفرانقلابی عظیم علیه مسلمین فلسطین افتاد، برای این منظور از بهترین راه که زمینه موجود داشت یعنی عواطف مذهبی تقریباً تحریک شده نصرانیت، وارد عمل شد بانطقها گریه‌ها ملاقات‌ها و پشت سر هم انداز یها را بان کلیسا، سران سپاه‌ها و حکومت‌های اروپا را با خود همراه نمود.

### جنگهای صلیبی

سرانجام با شرکت اغلب اصناف و اقوام اروپا لشکر عظیمی به تعداد یکمیلیون و سیصد هزار نفر تهیه شد و در سال ۱۰۹۶ میلادی برای نجات بیت المقدس عازم فلسطین گردیدند، این دریای بیکران جمعیت که گویا همه اروپا بطرف آسیا در حرکت است، بسیار بی نظم و ترتیب در حرکت بود در بین راه دوست و دشمن در نظر آنان فرقی نداشت، همه کس را غارت میکردند، میکشند، بدریا میریختند، آتش میزدند مثله میکردند و خلاصه بقدری جنایت و خیانت از آنها سرزده که تمام مورخین مسیحی از اعمال و حشیانه آنها اظهار شرم و نفرت میکنند.

دکتر گوستا ولبون در کتاب تمدن اسلام و عرب صفحه ۴۰۶ چاپ چهارم میگوید، « اینها در آسیای صغیر نسبت به مسلمانان و عیسویان فجایع و حرکات و حشیانه‌ای مرتکب شدند که در بیان آن غیر از این چیزی نمیتوان گفت که اینها حقیقتاً دیوانه شده بودند » و نیز از آنکوه من دختر شاه قسطنطنیه نقل میکند که من جمله از تفریحات این مجاهدین این بود، هر طفلی که در جلو شان پیدا میشد

با حر به دو نیم کرده و در آتش میسوزانیدند -  
 برای اینکه خوانندگان محترم خوب بو وحشیگری های این  
 سپاه مجاهد آشنا شوند در اینجا عین عبارت دو سه نفر از مورخین مسیحی  
 را که نمیشود حمل بر مبالغه کرد مینویسیم .  
 گوستا ولبون در صفحه ۴۰۷ همین کتاب میگوید :

قبایح اعمال و کردار مجاهدین صلیب در تمام این لشکر  
 کشیها حقیقه آنها را در ردیف درنده ترین و بیشعور ترین  
 وحشیهای روی زمین قرار داده بود و رفتار آنان با هم عهدان  
 خود ، بادشمن ، رعایای بیگناه ، نظامیان ، زنان ، اطفال ، پیر و  
 جوان یکسان و در یک ردیف قرار گرفته بود ، یعنی بدون  
 امتیاز همه را غارت کرده و بقتل میرسانیدند

هم او از روبرت راهب که شخصاً در این واقعه حضور  
 داشته عبارت قبل را نقل میکند که میگوید . لشکر مادر گذر  
 هامیدانها و پشت بامها متصل در گشت و حرکت بودند و مثل  
 شیر ماده ای که بچه اش را زوده باشند از قتل عام لذت میبردند  
 اطعمال را پاره پاره کرده و جوان و پیر را در یک ردیف از دم  
 شمشیر میگذرانیدند و محض تسریع در عمل چندین نفر را بیک  
 دیسمان بدار می آویختند سپاهیان ماهر چها که میافتند فوراً می  
 ربودند ، شکم مردها را پاره کرده ، پول و جواهراتی را که  
 سراغ داشتند بیرون میآوردند و بالاخره بو آمون (یکی از  
 سران سپاه) تمام مردی که در قصر جمع شده بودند احضار  
 کرد ، زن ، مرد ، پیر ، ناثوان و بیکاره را از دم شمشیر  
 گذرانید و جوانان را برای فروش بانطرا کیه فرستاد .

اینها نمونه جنایاتی است که در بین راه مرتکب شده اند، اما شرارت‌های آنها در فلسطین و مخصوصاً شهر بیت المقدس بمراتب از اینها وحشیانه تر و قساوت مآبانه تر است گوستا و لبون از نوشته های دایمون اداتریل نقل میکند که پس از شرح مختصری از فجایع صلیبیان میگوید

وقتیکه جمعیت مابرج و باروی شهر را گرفت یک منظره غریب و هولناکی در مسلمانان ظاهر گردید . . . در گذر هاو میدان های بیت المقدس از سرها و دستها و پاها تلپائی تشکیل یافته و مجاهدین صلیب از روی آنها عبور میکردند . . . ده هزار نفر در مسجد عمر پناهنده شده بودند تمام آنها را طعمه شمشیر قرار دادند در معبد سلیمان بقدری خون جمع شده بود که لاشه های مقتولین در آنها شناور بود . . . مجاهدین با این هاهم اکتفاء نکرده و مجلسی تشکیل داده طبق تصمیمی که گرفتند تمام سکنه بیت المقدس را اعم از مسلمان، عیسوی، یهودی و فرق دیگر که بیش از شصت هزار نفر بودند بقتل رسانیدند

خواننده محترم یکبار دیگر این فصل را بدقت بخوانید و این رفتار وحشیانه را با خوش رفتاری هائی که مسلمین در موقع فتح فلسطین با ملت مغلوب کردند مقایسه کنید و سپس قضاوت فرمائید خو گوستا و لبون میگوید: «رفتار نصاری با مسلمین این شهر بکلی مخالف با آن رفتاری است که عمر خلیفه اسلام در چند قرن پیش هنگام فتح بانصاری این شهر نمود»

با این همه جنایت پس از سه سال در تاریخ ۱۰۹۹ بیت المقدس



را فتح نمودند ولی از یکمليون و سیصد هزار جمعیت آنها فقط بیست هزار نفر باقی ماندند و بقیه در اثر جنگهای داخلی مرضهای طاعون و وبا قحطی ها غرق در دریا و برخورد های شدید با طوایف و قبائل مسلمان و غیر مسلمان در بین راه تلف شدند ، خلاصه دنیای مسیحیت در این جنگ با دادن يك مليون و دو بیست و هشتاد هزار قربانی و از دست دادن آبرو بیت المقدس را از دست مسلمین بیرون آورد .

اما در اثر نداشتن رهبر لایق و فاقد بودن مقررات سیاسی و اداری و بی اطلاعی از فنون صنعت و تجارت و کشاورزی و سایر وسائل مملکت داری در مدت کوتاهی این بهشت ساخته مسلمین را بصورت همان جهنم اروپای آنروز در آوردند ، نزاعها ، کشمکشها ، ملوک الطوائفی ها ؛ تبعیض ها ، ظلم و ستمها خلاصه نظائر جهل های اروپا در این سرزمین هم رواج پیدا کرد .

مسلمین فرصت را غنیمت شمرده ب فکر استرداد فلسطین افتادند و مشغول جنگ شدند ، از اینجا جنگ دوم صلیبی شروع میشود اروپا هر چه نیرو و قدرت داشت یکی پس از دیگری بطرف آسیا به منظور حفظ بیت المقدس فرستاد و همه آنها در لابلای سنگهای عظیم آسیائی که بقدرت اداره مسلمین میچرخید شدند بدین ترتیب هشت جنگ عظیم که تاریخ آنها را بنام **جنگهای صلیبی** ضبط کرده است واقع شد و سر انجام پس از ۸۸ سال پایه های لرزان حکومت صلیب در فلسطین بدست سردار رشید اسلام امیر صلاح الدین ایوبی در هم ریخت و بنای حکومت آنان برای همیشه بر سرشان خراب گردید و با کمال ذلت و

خجالت به بیغوله‌های خویش در انگلستان و فرانسه و آلمان . . . برگشتند و مسلمین از سال ۱۱۸۷ میلادی برای دومین بار حکومت اسلامی را در فلسطین بنا نهاده و عیسویان و یهودیان هم زیر پرچم عدل آنها مشغول زندگی شدند .

### ریشه تمدن اروپا

گرچه حمله به فلسطین برای اروپائیان بسیار گران تمام شدو علی الظاهر شکست مفتضحانه‌ای همراه ازدست دادن حیثیت خویش خوردند ، ولی باعتراف محققین اروپائی همین تماس با مسلمین و آشنائی با فکر و کار مسلمانان آنها را در راه تکامل و تمدن امروزیشان انداخت و پس از مراجعت از فلسطین با استفاده از مبانی اجتماعی اقتصادی و سیاسی اسلام زندگی تازه‌ای را شروع کردند .

**گوستا ولبون** در کتاب تمدن اسلام و غرب پس از تاریخچه جنگهای صلیبی در باره فوایدیکه بطور غیر مستقیم و بدون توجه اروپا از آسیا برده است در چند مورد بصراحت اعتراف بلکه پافشاری میکند .

در صفحه ۴۲۰ میگوید : بدیهی است این ارتباط دوستانه

ساله مشرق و مغرب برای تمدن اروپا عامل مؤثری بوده

است چون در آنوقت مشرق از برکت اسلام اعلی درجه ترقی را

دازا بوده و برعکس اروپا در ظلمت توحش و بربریت فرورفته

بود .

در صفحه ۴۲۴ میگوید : ریشه طرز محکم و پایدار حکومت

فعلی انگلستان منتهی بحالات و اسباب خاصی میشود که از

جنگ صلیبی پیدا شده و نیز جنگهای بین اروپا و آسیا در تجارت

هم تاثیر نمایانی بخشید

و در صفحه ۴۲۵ میگوید: «مشرق در پیشه و هنر هم در ضمن این

جریانات تاثیرات مهمه در اروپا نمود در فن نجاری، زرگری

شیشه سازی و کاشی کاری که درجه کامل آنها ممکن نیست

بدون تخصص صورت گیرد قبل از جنگهای صلیبی در اروپا

متخصص فنی وجود نداشت و مسلماً از مشرق آمده است بافتن

حریر آلات و رنگرزی عالی که مسلمین در آن تخصص داشتند

بعد از جنگ در اروپا رواج یافت بعد از جنگ در طرز معماری اروپا

بر مبنای معماری شرق انقلاب کلی روی داده و در صفحه ۴۲۸ میگوید

خلاصه ما میتوانیم گفت که همین جنگهای صلیبی اروپا را از عادات

و اخلاق رذیله و اطوار وحشیانه خارج ساخته و زمینه ای در

آنها تهیه نمود که بعدها علوم و ادبیات مسلمین که بوسیله

دانشکده های اروپا با انتشار یافت طوری آنرا بسط داد که بالاخره

یک روز در آئینه منشأ ناس گردید.

بدین ترتیب اروپا در مسیر تکامل و ترقی پیش میرفت؛ و در مقابل

حکومت عظیم اسلامی کم کم در اثر اختلافات داخلی و دور شدن از معارف

عالیه اسلام سیر انحطاط در پیش گرفته بود قرنهای این ترقی و تنزل ادامه

داشت و بالاخره روزی رسید که کفه اروپا سنگین تر گردید همراه رشد

اجتماعی بغض های چندین قرنی اروپائیان نسبت به مسلمین نیز رشد میکرد

و سرانجام موقع انتقام فرارسید.

بلاستعمار

اروپا از استعمار مناقق دور دست و وحشی و نیم وحشی جهان

در آفریقا و آمریکا .. بقدر کافی بهره برده و خود را تقویت کرده بوده و کم کم نوبت به آسیا رسیده و در فکر تسخیر این قاره افتاد . تنها مانع پیشرفت آنها در آسیا حکومت وسیع عثمانی اسلامی بنظر میرسید ولی این حکومت هم علی رغم همه وسعت و دامنه وسیعی که داشت در اثر جنگهای داخلی بی درپی و تبعیضهای غلط و ناهنجار تركها در مورد نژادهای دیگر در وضع بسیار نامطلوبی قرار داشت .

استعمارگران برای اینکه مبادا روزی نابسامانیهای این دولت سامان گیرد و علل ضعف حکومت از میان برود و باز مینههای بسیار خوبی که در آسیا موجود است بازصف نیرومند واحدی از مسلمین در مقابل آنان تشکیل گردد نقشه تجزیه این امپراطوری وسیع را طرح کرده و بسیار ماهرانه و استادانه اجرا نمودند .

بالاتر از فکر تجزیه نقشه ایجاد يك حکومت ضد اسلامی در قلب حکومت اسلامی است که بعد از این خواهید دید بصورت دولت اسرائیل در فلسطین چگونه تشکیل میشود .

پس از مطالعه فراوان بهترین عامل را برای انجام مقصود شوم خود پیدا کرده و بدست خود سلمین این خاک سیاه را بسر مسلمانان ریختند در حالیکه در جنگ اول جهانی حکومت عثمانی با انگلستان و فرانسه مشغول جنگ بود .

### انقلاب اعراب علیه حکومت مرکزی اسلامی

در نتیجه بی عدالتیهای حکومت عثمانی و دادن امتیازات فراوان بترکها و رواج بازار تبعیضات بیجای نژادی اغلب فرق غیر ترك

از ترکت‌سازی‌های اترک بستوه آمده بودند، در میان ناراحتی‌ها جمعیت اعراب از همه بیشتر و مناطق آنان وسیع‌تر و اگر ادعائی هم میکردند در اثر سوابق ممتدی که در ایجاد و حفظ حکومت اسلامی داشتند بهتر قابل قبول بود.

انگلستان این ما در استعمار و مایه اصلی استثمار بشر که این موفقیت را درست ارزیابی کرده بود، و در همان وقتیکه در جنگ جهانی اول قوای آنان با دولت عثمانی مشغول جنگ بود تصمیم گرفت از نا رضایتی اعراب استفاده کند، زیر پرده با سران ملی و متنفذ اعراب وارد مذاکره شد: و آنان را برای انقلاب علیه حکومت عثمانی تحریک نمود و با آنها وعده مساعدت و همکاری تا سرحد تحصیل استقلال عرب در مقابل ترکه‌داد، اعراب با اتکاء باین عهد دست بانقلاب زدند، آتش انقلاب در تاریخ نهم شعبان ۱۳۳۴ مطابق با ۱۹۱۶ میلادی از حجاز برهبری فیصل شعله ور گردید، جمعیت فراوان عرب همراه با نا رضایتی‌های شدید از حکومت، بی سرو سامانی وضع حکومت و دخالت مستقیم و غیر مستقیم انگلستان و فرانسه، همه را از عوامل پیشرفت سریع این انقلاب باید شمرد، خیلی زود دامنه انقلاب از حجاز به سوریه و لبنان، عراق و فلسطین کشید، کم کم قوای دولت‌های انگلستان و فرانسه هم علناً بتفع اعراب مداخله نمودند و قوای دولت عثمانی را با آسانی سرکوب و وادار بعقب نشینی میکردند، اعراب با یکدیگر نشاط در انقلاب جانبازی میکردند و خود را برای یک حکومت عربی وسیع و مستقل که شامل عراق اردن، سوریه لبنان فلسطین حجاز - بود

آماده میگردند.

### قرار داد سایکس بیگو

انقلاب تقریباً به نتیجه رسیده و دست امپراطور عثمانی از نواحی عرب نشین کوتاه شده بود، و اعراب با انگلستان مشغول مذاکره در باره اعلان استقلال و شناختن انگلستان شدند در این بین وزارت امور خارجه روسیه خبر نقشه های شوم انگلستان و فرانسه را در مورد توطئه ای خائنانه برخلاف تعهداتی که با عرب داشتند به سران اعراب اطلاع داد.

روسیه به اعراب اطلاع داد که انگلستان و فرانسه میراث دولت عثمانی را بین خود تقسیم نموده اند، خیلی از این قضیه نگذشت که قرار داد معروف سایکس بیگو در تمام عالم منتشر شد و همه فهمیدند که مارك سایکس نماینده انگلستان با جرج بیگو نماینده فرانسه قرار دادی بسته اند و تمام منطقه ای که با اسم عرب از دولت عثمانی جدا کرده اند بین خود تقسیم کرده و دولت روسیه هم گواه و مصدق این تقسیم نامه است.

اعراب از این نامردی و حیله گری دول استعماری غرق در حیرت گشتند مات و مبهوت گیج شده از فیصل که رابط اصلی بین آنها و بریطانیا بود خواستند که فوری اعتراض کند و توضیح بخواهد حسین از انگلستان توضیح قرار سایکس بیگو را مطالبه کرد و تعهدات انگلستان را گوشزد نمود ولی حکومت مکار و حیله باز انگلستان از در مکر وارد شد و قرار داد با فرانسه را ناتمام معرفی کرد و از طرفی بالفور

وزیر خارجه بریتانیا طی تلگرافی که در ۲۱۹، ۱۸ به فیصل مخابره کرد عهد سابق را تجدید نمود و وعده استقلال عرب را با همان قسمها و تعهدات غلاظ و شداد محکم و پابرجا اعلان نمود، ولی عملاً مشغول انجام مقاصد استعماری خود بودند و طبق نقشه‌ای که داشتند در هر قسمتی از این منطقه آزاد شده حکومتی را گماردند و بصورت ظاهر تعدد حکومت را مقتضی نظامات لشکری معرفی نموده و میگفتند پس از صلح کامل همه این حکومتها زیر یک پرچم عربی اداره خواهد شد و تمام مرزها که فعلاً بمنظور تنظیم وضع لشکر انتخاب شده برچیده خواهد شد

#### وعده بالفور به یهود

در خلال این جریانات پشت پرده مذاکراتی بین سران یهود که از مدت‌ها قبل در نقشه بدست آوردن حکومتی مستقل در فلسطین بودند و مقامات انگلیسی ردوبدل میشد و سر انجام در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ وعده ای رسمی بامضاء بالفور و وزیر امور خارجه انگلستان گرفتند دولت انگلستان رسماً تعهد نموده بود که در فلسطین برای یهود یک حکومت مستقل یهودی تشکیل دهد.

این حيله هم خیلی پشت پرده نماند و بالاخره عربها از آن اطلاع پیدا کردند و سیل اعتراض و استیضاح از طرف سران عرب بسوی انگلستان سرازیر شد، اما استعمارگران مکار این دفعه هم بدورغ و ترویر اعراب را قانع کردند مخصوصاً این مرتبه بیانیتهائی در مورد آزادی اعراب از طرف امریکا و فرانسه هم منتشر گردید و تا حدی خاطر اعراب آسوده

شد و آرام گرفتند؛ ولی استعمارطلبان با تمام قوی مشغول تهیه مقدمات دو نقشه اصلی خود «تجزیه و ایجاد حکومت ضد عربی و اسلامی در قلب ممالک اسلامی شدند».

### عوامل تشکیل حکومت غاصب اسرائیل

قرنها بر یهود گذشت در حالیکه در اطراف عالم متفرق و منشتت زندگی کرده و معمولاً با وضع اجتماعی نامطلوبی بسر میبردند عده‌ای از شخصیت‌های یهودی تصمیم گرفتند که بین افراد متفرق یهود ارتباطی ایجاد کنند، بامید اینکه قدرت‌های پراکنده آنان روزی در نقطه‌ای متمرکز گردد و بوضع اسف بارشان سر و سامانی دهد.

در سال ۱۲۸۶ اولین اجتماع عده‌ای یهودی در ... تشکیل گردید و در آن جلسه بنای حزبی جهانی بنام صهیونیسم بین الملل گذارده شد و سپس فکر تشکیل حکومت یهودی مطرح گردید و بعد از مذاکره زیاد تصمیم گرفتند که مقدمات تشکیل حکومت را در فلسطین درست نمایند و برای شروع کار بنامند که افراد یهود حتی الامکان به فلسطین مهاجرت نمایند و هر مقدار که میسر بشود از اراضی آن سر زمین خریداری نمایند.

پس از ارزیابی مختصری که از قوای پراکنده یهود نمودند، بآن نتیجه رسیدند که در ممالک بزرگ دنیا مخصوصاً آمریکا و اروپا قدرت‌های اقتصادی قابل توجهی در اختیار دارند و میتوانند با متشکل کردن این نیرو دستگاه‌های حاکمه ممالک بزرگ را تحت نفوذ قرار داده و از آنها در راه رسیدن به هدف استفاده کنند.



در قدم اول در مقابل پول هنگفتی که به سلطان عبدالحمید امپراطور عثمانی وعده کردند از او تقاضا کردند که اجازه توسعه فعالیت در منطقه فلسطین بآنها داده شود ولی سلطان عبدالحمید آنها را جواب کرد، ولی کم کم مهاجرت شروع شد و خریداری زمین هم رفته رفته انجام میگرفت.

برای جلب همکاری دولت‌های بزرگ نقشه نفوذ در دستگاه حکومت آنها بمرحله عمل گذاشته شد، قبضه وسائل تبلیغاتی و بدست گرفتن منابع اصلی اقتصادی در رأس برنامه آنها قرار داشت با پول فراوانی که یهودهای محترک داشتند خیلی باهدف فاصله نداشتند طولی نکشید که در ایالات متحده آمریکا در دستگاه‌های تبلیغاتی نفوذ فوق العاده ای پیدا کردند.

کتاب خطر جهود صفحه ۱۸۴ بنویسد بسیاری از مطبوعات آمریکا بامستقیم آرد دست یهودیان اداره میشد و با پولهای زیاد مدیران آنها را خریده بودند و حدود دویست دستگاه پخش صوت در اختیار داشتند و صدها کمیته و انجمن همکاری ایجاد کرده بودند.

پیدا است با چنین وسائلی افکار ملت بزرگ آمریکا هم قبضه کرده بودند و از احاطه اقتصادی روزنامه البلاد چاپ بغداد دریکی از شماره‌های خود نوشته بود که در اغلب کتبهای مهم امریکا سهام زیادی دارند منجمله در کمپانی نفتی بزرگ استاندارد اویل نیوجرسی ۵۵ درصد سهام میباشند و در شرکت نفتی تکراس ۶۳ درصد از منافع مربوط بآنها است با این دو قدرت مالی و تبلیغاتی که داشتند در مبارزات انتخاب

رئیس جمهور بنق ترومن کاندید حزب وارد کار شدند و خدمت‌های شایانی در راه موفقیت او انجام دادند و ترومن که موفقیت خود را مرهون خدمات یهودیان میدید، قول مساعدت و همکاری با نهاد داده و بعداً هم خیلی خوب عمل نمود.

در اروپا که دولتهای آن بیشتر به پول احتیاج داشتند سازمان صهیونیستی دست بکمکهای فراوان مالی زده و در قسمت‌های مختلف حساس مشغول سرمایه گذاری شدند.

و تا آنجا که دستشان بند می‌شد در پست‌های حساس ممالک بزرگ افراد یهود را بکار و امید داشتند، که در مواقع لازم از وجود آنها استفاده شود، روزنامه البلاد نوشت که ۳۸ درصد از کارمندان دولتی آمریکا یهودی هستند.

با این مقدمات، همکاری و پافشاری دول استعماری در راه تأسیس حکومت صهیونی در فلسطین بسیار طبیعی بنظر می‌آید.

**حیله‌های استعمار.**

پس از جنگ جهانی اول انگلستان بعنوان مملکت فاتح (که طبق نظریه سازمان ملل که دولت فاتح حق سرپرستی و قیمومیت دارد) سرپرستی فلسطین را بعهده داشت و کارهای اداری و نظامی در دست او بود، این قیم عادل و سرپرست دلسوز و مهربان! پس از تسلط کامل با همفکران استعمارچی خود تصمیم می‌گیرند که خواسته‌های یهود را عملی سازند.

ابتدا از مردم فلسطین سرشماری بعمل آوردند، معلوم شد با همه

کوششی که در ظرف سی سال یهودیها برای مهاجرت بفلسطین نموده‌اند فقط شش درصد از مردم فلسطین یهودی میباشند، البته با این اقلیت بسیار ضعیف نمیشود نقشه استقلال یهود عملی گردد، زیرا مقدرات مملکتی که نود و چهار درصد آن مخالف سر سخت رژیم آن باشند بهیچوجه قابل اداره نیست.

لذا ب فکر توسعه نقشه مهاجرت یهود و انتقال اراضی، و سپردن منابع اساسی اقتصاد و پست‌های حساس مملکت به صهیونیست‌ها افتادند.

### مهاجرت یهود بفلسطین

هر چند تاریخ شروع مهاجرت بلافاصله پس از جلسه حزب صهیونیست می‌باشد ولی در طول این مدت هجرت بصورت بسیار محدودی انجام میشد؛ ولی پس از این سر شماری، دولت بریطانیا یکتفر یهودی را بریاست اداره مهاجرت فلسطین انتصاب نمود و تسهیلات فراوانی برای هجرت و قبول تبعیت فلسطین قائل شد، از این بعد سیل مهاجرین یهود از اطراف بطرف فلسطین سرازیر گردید و اغلب مهاجرین جوانان یهودی بودند که توسط کمیته‌های صهیونی قبلا مسلح میشدند و سپس هجرت اختیار میکردند.

کاتار یوآسی یهودی در کتاب اسرائیل مینویسد در سال ۱۲۹۷  
 عدد یهود فلسطین فقط ۴۷ هزار نفر بوده اند و همین کتاب آمار یهود  
 فلسطین در آذر ماه سال ۱۳۳۷ یک میلیون و هشتصد و ده هزار نفر مینویسد  
 البته اغلب این جمعیت در ده سال پس از استقلال اسرائیل هجرت کرده‌اند  
 و در زمان سی سال سرپرستی انگلستان تقریباً ششصد هزار نفر یهودی که

اغلب جوانان مسلح بودند بفلسطین آمدند . بسیار داده میشد و برای

### انتقال اراضی به یهود

مانع بزرگی که در سر راه انتقال اراضی بیهود موجود بود فشار اعراب برای منع فروش زمین به افراد بیگانه و مخصوصاً غیر عرب بود که اعراب با نهایت جدیت خواهان اجراء آن بودند ، ولی استعمارگران خود را پابند این قانون نمیکردند و نهایت کوشش را در انتقال اراضی بیهود مینمودند چون یکی از لوازم تشکیل دولت یهود مالک بودن مقداری زیاد از اراضی بود؛ علاوه مهاجرینی که وارد فلسطین میشدند احتیاج به کار و درآمد داشتند و عربها حاضر نبودند که یهود را در املاک خود بکار بگمارند .

یکی از قدمهای برجسته ای که بریطانیا بدون پروا بنفع یهود برداشت این بود که یکدفعه پنجاه هزار هکتار از اراضی که در دست دولت بود به جمعیت یهود واگذار نمود و مهاجرین یهودی را در آنجا مشغول کار کرد .

قدم دیگر این استعمارگر بنفع یهود ، این بود که بر محصولات املاک عرب مالیاتهای سنگین و کمر شکن وضع میکرد که اغلب منجر بورشکستگی مالکین بزرگ و حراج املاک آنان میشد .

ولی عربها باین نقشه شوم پی بردند و برای جلوگیری از فروش اراضی بیهود صندوقی تشکیل دادند و اغلب املاکی که ۴۰ در معرض فروش میآمد خودشان میخریدند و لذا در تمام مدت سی ساله حکومت سرپرستی فقط بیست و پنج هزار هکتار زمین از دست مردم فلسطین توانستند

بخرند .

خلاصه در موقع اعلان استقلال اسرائیل فقط تقریباً شش و نیم در صد از خاک فلسطین به یهود منتقل شده بود یعنی از هجده و دو میلیون و هفتصد هزار هکتار زمین تقریباً یکصد و شصت هزار هکتار زمین را یهود مالک بود که ۶۵ هزار هکتار آنرا در زمان دولت عثمانی خریده بودند و ۵۰ هزار هکتار را سرپرست عادل فلسطین (انگلستان) بآنها هدیه فرموده بود و ۲۵ هزار هکتار هم از مردم فلسطین خریده بودند و بقیه را از مالکینی خریده بودند که در خارج زندگی میکردند

**امتیازات سیاسی و اقتصادی**

در رأس امتیازات سیاسی که بریطانیا بیهود داد ؛ این بود که در تاریخ ۱۹۲۰ م یکی از رهبران بزرگ حزب صهیونیسم هربرت صموئیل را که از یهودیان متعصب بود بحکومت فلسطین نصب نمود و مقدرات فلسطین را بدست او سپرد ، این یهودی با قدرتی که داشت پست اغلب ادارات را به یهودیان یا انگلیسیان طرفدار یهود وا میگذاشت و بلافاصله زبان عبری را در ردیف زبان عربی و انگلیسی در فلسطین رسمیت داد ، با اینکه تحصیلات مدارس عربی تحت کنترل شدید انگلستان بود بیهودیان استقلال فرهنگی بخشید و دستور داد روی سکه های فلسطین بزبان عبرانی کلمه « اسرائیل » بعنوان ترجمه لفظ « فلسطین » نقش گردد .

در مورد امتیازات اقتصادی اغلب امتیازات اساسی مملکت در زمینه های تولیدی و صنعتی باسم یهود صادر میشد و برای اداره آنها

وامهای طویل المده یا کمکهای بلا عوض بسیار داده میشد و برای تقویت بنیان اقتصادی یهود تسهیلات زیادی جهت صدور محصولات صنعتی و کشا ورزی آنها درست میشد و در نتیجه اغلب قسمتی از فرآورده های یهود با بازار سیاه بفروش میرسید .

و در مقابل برای صدور محصولات عرب آنقدر تضییقات ایجاد مینمودند که بیشتر منجر به تورم اجناس در بازار گردیده و جنس را از قیمت ساقط میکردند .

وسائل و موادی که مورد احتیاج کارخانهجات یا مزارع صهیونیست بود اکثراً بدون گمرک وارد میشد ولی احتیاجات عرب اغلب با گمرک های سنگین و عوارض گزاف بدست آنان میرسید و برای تجار عرب غیر از خسارت و ورشکستگی نتیجه ای نداشت .

یکی از امتیازات مهمی که صه وئیل به یهودیان داد، امتیاز کارخانه بزرگ برق تور بینی فلسطین بود که برای مدت هفتاد سال از تاریخ ۱۹۲۱ م امتیاز انحصاری تولید برق سرتاسر فلسطین بدست یک نفر یهودی داده شد ( فقط برق شهر قدس مستثنی بود ، چونکه در ۱۹۱۴ یکی از رومیان امتیاز آنرا از دولت عثمانی گرفته بود )

بزرگترین امتیازی که در زمینه اقتصادی به یهودیان داده شد

امتیاز استخراج املاح بحر متوسط است که در سال ۱۹۲۷ این امتیاز با انحصار یکی از شرکتهای بزرگ یهودی برای مدت ۷۵ سال در آمد و بدینوسیله تولیدات شیمیائی که در قرون جدید از مهمترین منابع ثروت دنیا است بدست این مهاجران ناخواسته افتاد نویسنده کتاب

القضية الفلسطينية بعد از آنکه این مطلب را می نویسد اضافه میکند که اهل فن مقدار در آمد این امتیاز را چهارده میلیارد جنیه تخمین زده اند (تقریباً سیصد میلیارد تومان)

### شورش اعراب

طبیعی است که این طرفداری های صریح از یهود و پامال کردن حقوق اعراب ، برای مردمی که علیه یک حکومت اسلامی بخاطر همین امتیازات بیجا و ناروا انقلاب بر پا کرده اند و اکنون وضع نا گوارتری را آنهم از دست یک حکومت اجنبی می بینند ، قابل تحمل نیست .

مظالم حکومت استعماری انگلستان و وحشت از نفوذ فوق العاده یهود ، اعراب مسلمان و مسیحی را برای انقلاب مهیا کرد مجالس شور و کمیته های دفاع در اغلب شهر های فلسطین برپا میشد و برای مبارزه با این مظالم نقشه هائی طرح و اجرا میشد و شورشهایی علیه دستجات یهود و تظاهراتی علیه حکومت رخ میداد ولی اغلب با دخالت پلیس انگلستان بنفع افراد یهود ، به نتیجه نمیرسید ، در خلال دهسال اول سر پرستی! شورشهای کوچک در شهرهای فلسطین علیه یهود و هیئت حاکمه صورت میگرفت و پس از خاموش شدن مذاکراتی که اغلب بی نتیجه بود انجام میشد

در سال ۱۹۲۹م انقلاب نسبتاً عظیمی در فلسطین رخ داد و تقریباً همه مردم فلسطین در این انقلاب همراه بودند ولی باز با حيله های انگلستان و دخالت سازمان ملل متحد انقلاب خاموش گردید

رفته رفته سوء غرض دولت بریطانیا آفتابی میشد، و بغض های متراکم در قلوب اعراب بانفجار نزدیک میگردد و آمد و رفت ها و مذاکرات، معه و لاختی و بی اثر میماند؛ جمعیت های مختلف اعراب در تمام فلسطین بهم پیوستند و کمیته عالی آن بریاست **محمد امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین** تشکیل گردید، و در سال ۱۹۳۶ دستور اعتصاب عمومی صادر گردید.

این اعتصاب، بسیر عالی و حاد انجام گرفت، زنان، مردان، تجار، کسبه جزاء، صنعتگران، مدارس، رانندگان و حتی بسیاری از زندانیان دست با اعتصاب زده و علیه یهود و بریطانیا به تظاهر پرداختند، در راه های آهن، لوله های نفت، تشکیلات دولتی، پلها، سیم های برق و تلفن و چو بهای تلفن و برق... بخرابکاری پرداخته و دستور کمیته عالی از پرداختن مالیات و اطاعت قوانین حکومت خود داری نمودند مردم سایر کشورهای عربی هم در این شورش کمک های بزرگی کردند، علی رغم تهدیدها و فشارهای انگلستان آتش انقلاب هر دم شعله ور و دامنه شورش و سیع تر میشد، و دیگر گوش مردم فلسطین به وعده های دروغ از باب استعمار توجهی نداشت خلاصه عرصه را کاملا بر استعمارگران تنگ کرده بودند.

مکاران استعمارچی حیلۀ جدیدی بکار بستند، برای خاموش کردن شورشیان سران کشورهای عربی را واسطه نمودند.

تلگرافاتی از جانب عبد العزیز سعودی شاه حجاز ملک عازی سلطان عراق، امام یحیی پادشاه یمن و امیر عبد الله حاکم اردن بیک مضمون



بکمیته عالی فلسطین رسید و همه اظهار اطمینان و امیدواری کردند که انگلستان مصمم است خواسته های اهالی فلسطین را بر آورد ، کمیته با نظر سران انقلاب دستور آرامش صادر کرد .

بدین ترتیب اعتصاب و انقلاب عظیم ۱۹۳۶ پس از شش ماه ، با دادن بیش از هزار شهید و متجاوز از سه هزار زندانی با جزا شکست و خواسته های اعراب توسط سران کشورهای عرب ، بشرح ذیل بدولت بریطانیا گزارش داده شد :

- ۱- بطور کلی از مهاجرت یهود بفلسطین اکیداً جلوگیری شود
- ۲- اراضی فلسطین بهیچوجه به یهود منتقل نگردد ۳- بحکومت سرپرستی انگلستان خاتمه داده شود و حکومت مستقل عربی تشکیل گردد .

تقسیم ، هدف نهائی استعمارگران در بار انگلستان ، در ظاهر برای رسیدگی بخواسته های عرب و پیدا کردن راه تحقق آن ، و در واقع بمنظور عملی ساختن غرض اصلی خود ، هیت بازرسی به فلسطین فرستاد ، این هیئت بی غرض ! و واقع جو! پس از مدتی مطالعه ( نقشه کشی ) گزارش مبسوطی به مقامات عالیه تسلیم نموده در این گزارش پس از يك مشت عوام فریبی و ظاهر سازی بصورت تشریح خواسته های عرب ، علل انقلاب ، اعتراف بحقوق عرب و راههای حل مشکل ، هدف نهائی استعمارگران را بصورت پیشنهاد بعرض دولت رسانید .

ماهرانه پس از بیان راه حل چنین اضافه کرد که : همه اینها که گفتیم ، برای این درد فلسطین فقط خاصیت مسکن را دارد لذا

پیشنهاد میکنیم : معالجهٔ اساسی اینست که فلسطین تقسیم شود ، يك دولت عربی یهودی و يك قسمت هم در دست بریطانیا باقی باشد .

دولت انگلستان طی اعلامیه‌ای نظر بازرسان دربار را منتشر و موافقت خود را با پیشنهاد تقسیم رسماً اعلام نمود..

و بدنبال آن ؛ ایدن وزیر امور خارجه آن کشور ، در سازمان ملل ، تصمیم دولت انگلستان را اعلان و تشریح کرد مورد اعتراض شدید نمایندگان دولتهای عربی واقع شد نمایندهٔ دولت عراق گفت : شما اگر میخواهید خدمتهای یهود را تلافی کنید خوبست که در همان اروپا منطقه‌ای را بآنها دهید نه اینکه از جیب مردم آسیا حاتم بخشی بفرمائید .

### همهٔ اعراب در صف ضد تقسیم

اعلان نقشهٔ تقسیم فلسطین ، طوفانی بود که امواج عظیم خشم و غضب و نفرت عموم اعراب بلکه مسلمین جهان را علیه یهود و بریطانیا بجوش و خروش در آورد ، همه دولتهای عربی رسماً اعلام کردند که حادثه فلسطین مخصوص مردم آندیار نیست ؛ بلکه يك مسئلهٔ عربی است و همه در آن سهیم اند .

بمنظور هماهنگ کردن فعالیت های اعراب مجلسی با شرکت نمایندگان مصر ، عراق سوریه ، لبنان ، اردن فلسطین و بلاد مغرب در سوریه تشکیل گردید ، و پس از مذاکره برای نجات فلسطین اقدامات دامنه داری شروع کردند و بلافاصله از تمام ممالک عربی افراد مسلح بصورت داو طلب بخاک فلسطین وارد گردیدند و انصافاً در راه نجات

فلسطین مجاهدت کافی نمودند و عرصه را بر انگلستان و مخصوصاً یهود در فلسطین تنگ کردند و با دادن تلفات زیاد و تلف کردن بسیاری از قوای ظالم استعمار ، انگلستان را بصورت ظاهر مجبور بعقب نشینی کردند .

### باز هم مکر و حیله

انگلستان در ۹ نوامبر ۱۹۳۸ اعلان نمود: : عملاً اثبات شد که فکر تقسیم فلسطین قابل اجرا نیست و لذا از این فکر صرف نظر کردیم و برای حل نهائی مشغول پیدا کردن راه دیگر که بمنافع اعراب برخورد نداشته باشد هستیم .

روح مطلب اینست که برای محکم کردن جای پای یهود در فلسطین احتیاج به مدت طولانی احساس شده بود و همه این مذاکرات اعزام بازرس و عده ها و سائلی بود که در بهار اسرگرم کنند و در پشت پرده بشدت مشغول انجام نقشه بودند ؛ بیست سال را به همین طریق گذراندند و مقدار زیادی هم به هدف نزدیک شده بودند . مراجع علوم انسانی در تعقیب همان حیله گذراندن وقت و سرگرم کردن اعراب ،

وزارت مستعمرات انگلستان سران عرب و یهود را بعنوان حل مشکل فلسطین بلندن دعوت نمود ، و روز هفتم فبریه ۱۹۳۹ اولین جلسه باشرکت نمایندگان عراق ؛ مصر ، اردن و یمن تشکیل گردید ، پس از چندین جلسه و گفت شنود ، انگلستان یک تعهد رسمی با اعراب داد که دولت عربی مستقلی در فلسطین تشکیل شود ، ولی ریشه مکر اینجاست که با لطائف الحیل اعراب را قانع نمود که این عمل احتیاج به ده سال وقت

دارد که کم کم حکومت را بدست آنها واگذار نماید و تعلیمات لازمه را در باره مسائل مملکت داری بگیرند و برای اداره مملکت پرورش کافی یابند ، و بعد معلوم شد که این مهلت طولانی برای تحکیم وضع بین المللی یهود بوده است .

### ایالات متحده و دخالت بیجا

تا کنون انگلستان زیر سرپوش قیمومت ، که جنبه قانون بسین المللی داشت ، در فلسطین مداخله میکرد ؛ و برای حفظ ظاهر مجبور بود که خیلی کند بسوی هدف پیشروی کند ، کم کم فشار یهود در آمریکا و اروپا بدولت های وقت ، مجال احتیاط و ظاهر سازی را از دول استعمار گر ، گرفت ، خدمات برجسته صهیونیست های آمریکا برای موفقیت ترومن در مبارزات انتخاباتی رئیس جمهور ، و فعل انفعالات بسیار دیگری که در پشت پرده انجام میگرفت ، عجله را برای استعمار گر ان تجویز میکرد در سال ۱۹۴۵ نامه ای از ترومن رئیس جمهور آمریکا به مستواتلی نخست وزیر بریطا نیارسید که باصراحت و پافشاری خواستار آزادی کامل مهاجرت و تقویت یهود شده بود ، بدنبال آن مستر بیقن وزیر امور خارجه انگلستان در مجلس عوام ، بدون در نظر گرفتن قرارداد اعراب ؛ اعلان کرد که مشکله فلسطین ، با همکاری آمریکا و انگلستان حل خواهد شد برای این منظور هیئتی مرکب از مستشاران امریکائی و انگلیسی مشغول نقشه کشی میشوند و نتیجه به سازمان ملل متحد ارجاع میگردد و این عدالت خانه بمقتضی عدالت رفتار خواهد کرد !!

سازمان ملل متحد یا شریک ظالمین

معلوم است که نتیجه مذاکرات همان هدف اولی استعمارچیان است و باید فلسطین تقسیم شود، سرانجام طرح تقسیم تهیه شد، و به سازمان ملل متحد ارجاع گردید و در سال ۱۹۴۷ با اکثریت ضعیفی آنهم با فشار دول بزرگ بتصویب رسید (۱) سازمان ملل هیئتی مرکب از یازده نفر برای ترسیم خطوط تقسیم به فلسطین اعزام نموده، آنطور که مایل بودند نقشه تقسیم را تنظیم کردند، ناگفته پیداست دره قابل نعره های عدالت که از حلقوم فراخ سازمان خارج میشد و طنین آن دنیا را لرزاند و گرفته بود، ناله های ضعیف عدالتخواهی اعراب بجائی نمیرسید و بدین ترتیب سازمان ملل هم با ظالمین همگام میشود.

### «تحویل و تحویل»

طبق قرار دادی که شده، و نظری که سازمان ملل داده بود انگلستان اعلان کرد که در روز ۱۵ مه ۱۹۴۸ فلسطین را تخلیه کرده و جای خود را به سازمان ملل متحد میدهد، ابتدا تخلیه از شهرهایی که بیشتر آن یهود بودند صورت میگرفت و با پروئی تمام از روی هر چه دست برمیداشت، دست یهود را گرفته و روی آن میگذاشت؛ و بسیاری از اسباب و وسائل ادارات و اسلحه های خود را بپهوده می بخشید، و قسمتی

(۱) وقت جلسه روز ۲۶ نوامبر معلوم شده بود آن روز معلوم شد که اکثریت

لازم برای نصاب صدور رأی در آراء موافق تقسیم فلسطین نیست لذا ترومن

تقاضای تأخیر سه روز نمود و رئیس سازمان موافقت نمود در ظرف سه روز

امریکا با فشار وعده، تطبیع، تهدید نصاب را درست کرد

از طیارات بمب انداز و مواد منفجره و اسلحه های مدرن را هم با قیمت  
 ارزانی بیهود فروختند و رسماً اعلام کردند که تا ساعتی که برای خروج  
 کامل معین نموده اند ، يك نفر از سر بازان عرب حق ورود بفلسطین  
 را ندارند و قبل از این تاریخ ، هر تظاهر نظامی که رخ دهد ، انگلستان  
 آنرا جنگ با خود تلقی کرده و بشدت میگوید ، یهود که خود را از  
 مجازات معاف میدانستند ، با اشاره ارباب در این چند روز ، چند حمله  
 وحشیانه بمناطق عرب نشین کرده و مخصوصاً در دیر یاسین در يك  
 حمله ۲۵۰ نفر را سر بریدند ؛ و ده ها هزار نفر را آواره کردند ،  
 در ناصر الدین هم صدها نفر را کشته و ده ها هزار نفر آواره کردند ،  
 خلاصه تحت حمایت بریطانیا در این چند روز جنایات فراوانی کرده  
 نزدیک هزار نفر کشتند و صدها هزار نفر آواره کردند و آنچه میتوانستند  
 غارت کردند همه این آوارگان با انتظار ۱۵ مه بودند که انگلستان برود  
 و آنها بر گشته انتقام گیرند ،

**اعلان استقلال اسرائیل** جامع علوم انسانی این انقلاب در فلسطین

در همان نیمه شب ۲۵ / ۲ / ۱۳۲۷ مطابق با ۱۵ مه ۱۹۴۸ میلادی  
 که انگلستان خاک فلسطین را ترك نمود ، یهودیان بنام دولت اسرائیل  
 در خاک فلسطین اعلان استقلال کردند ، و بخیال خود همه فلسطین را  
 زیر پرچم خود میدیدند .

بلا فاصله ارتش های مصر ، عراق ؛ سوریه ، سعودی ، سودانی ،  
 لیبی ؛ اردن و لبنان که پشت مرز های فلسطین ؛ با انتظار رفتن انگلستان  
 بحال آماده باش بودند ، همراه با آواره هائی که همان چند روز قبل

خانه و املاک خود را ترک گفته بودند، از شمال و شرق و جنوب وارد فلسطین شدند؛ و بدون توجه به اندرزه‌های مزورانه سازمان ملل که مرتب آنها را دعوت بآرامش میکرد قوای یهود را در اغلب جاها محاصره کرده و نیروهای هوایی مصر و عراق بسیاری از مراکز یهود را زیر بمب گرفتند. در ظرف دو هفته همه آنچه را که یهود زیادتر از قرار تقسیم گرفته بود پس گرفته و خیلی جاهای دیگر هم یهود را عقب راندند. انگلستان که همه نقشه‌های سی ساله خود را نقش بر آب می‌دید در سازمان ملل، با شدت مشغول فعالیت شد، چون هر راه دیگری را برای ایجاد آرامش مسدود دید دست با ولنیماتوم زد و اعراب را تحدید کرد که اگر جنگ خاتمه نیابد قرار دادهائی که از سابق با آنها در مورد فروش اسلحه داشته نقض میکنند و دیگر اسلحه با آنها نمیدهد سرانجام با فعالیت شدید انگلستان و آمریکا و سازمان ملل، اعراب دستور آتش بس را برای چهار هفته پذیرفتند و ۱۳۲۷/۳/۵ جنگ متوقف شد.

بعد از آنکه جنگ بعد شروع شد، اعراب فهمیدند که این آتش بس تا چه حد بضرر آنها و نفع یهود تمام شده است در این مدت کوتاه صلح، شبکه مرموزی که بحمايت دول بزرگ تنظیم شده بود؛ مقدار زیادی اسلحه‌های مدرن بیهود رساندند از آمریکا، انگلستان فرانسه، یونان، ایتالیا - در راه خشکی و دریا بسوی یهود سیل اسلحه سرازیر بود، عده زیادی کارشناس نظامی نیز به جمعیت پیوست، و با نقشه‌های اساسی خطوط جنگ را برای جبهه یهود تنظیم کردند.

پس از تحکیم وضع اسرائیل دو سه مرتبه دیگر محارباتی بین اعراب و اسرائیل واقع شد ، و قریب هشت ماه محاربات طول کشید تنها نتیجه‌ای که عاید شد این بود که از غضب کامل فلسطین جلوگیری کردند . و قسمتی از فلسطین را در دست مسلمین نگه داشتند و این خود مایه امید است که روزی از این نقطه آتشی شعله گیرد و دستگاه اسرائیل را غاصب را طعمه حریق کند .

### مدعیان عدالت و ظلم فاحش

بایک نظر به تصویبنامه تقسیم فلسطین در سازمان ملل ، اعمال غرض و قضاوت یکطرفه بچشم میخورد ؛ صرف نظر از اینکه اصل تقسیم عملی ظالمانه است ؛ نحوه تقسیم ظلم دیگری است ، که بدست این عدالتخانه اجرا شده است .

آن روزی که لایحه تقسیم به تصویب سازمان رسید ، در فلسطین ۶۲۹۰۰۰ نفر یهودی و ۱۳۱۹۰۰۰ عربی وجود داشتند ، یعنی جمعیت عرب بیش از دو برابر یهود بوده و انگهی این اقلیت یهود فقط مالک ۶/۶ در صد از اراضی بودند و بقیه ۴ ر ۹۳ در صد اراضی متعلق با اعراب بود .

ولی این مدعیان عدالت اجتماعی با توجه بموضوع ، اصالتناسب را در تقسیم مراعات نکرده ، و چنان ظلم فاحشی را مرتکب شدند که غرض ورزی آنها آفتابی است .

در نقشه تقسیم ۱۴۲۰۰ کیلو متر مربع از مساحت فلسطین در سهمیه یهود بود و فقط ۱۲۰۰۰ کیلو متر مربع برای اکثریت عرب



منظور شده بود ، علاوه بر این سازمان ملل ، دستور صادر فرمود :  
 ۶۰۰۰ هزار عربی که در منطقه یهودی واقع میشوند ؛ با ۱۱۰۰۰  
 هزار یهودی که در منطقه عربی واقعند تبادل شوند ؛ یعنی برای خاطر  
 خوش آیند دول قوی حکم کرد که پیش از چهل برابر تعداد یهودی  
 که از منطقه عربی بیرون میروند ، از اعراب منطقه یهود دست از خانه  
 و آشیانه خویش بردارند و بجای دیگر روند زهی عدالت و انسانیت !!  
 از این بالاتر ، وقتیکه یهود جای پای خود را محکم کرد باین  
 تقسیم هم راضی نبود و از سهمیه ای که سازمان ملل برای او معین کرده  
 بود ۵۶ درصد از مساحت مجموع فلسطین بود ، تجاوز نمود و تصرفات  
 خود را به ۷۰ درصد از خاک فلسطین افزایش داد ، سازمان ملل ، که  
 برای بکرسی نشان دادن نظر خود اعراب را تهدید به دخالت مسلحانه  
 میکرد ، همه اینها را میدید و فقط وقتی که فشار افکار مسلمین شدت  
 میگرفت ، با صدور کردن يك ملالت نامه علیه اسرائیل ، شانه از زیر بار  
 مسؤلیت خالی مینمود (۱).

### کمکهای استعمارگران به اسرائیل

تعبیر بلفظ «کمک» در مورد این دولت پوشالی مخلوق استعمار،

(۱) وسعت خاک فلسطین ۲۷۰۲۴ کیلو متر مربع است ، ۲۰۸۵۰

کیلومتر آن که قریب هفتاد درصد است فعلا تحت تصرف یهود است و بقیه

سی درصد آن که تقریباً ۶۵۰۰ کیلو متر مربع است ، در تصرف مسلمین

باقی مانده که قسمتی از آن که استان غزه است توسط مصر اداره میشود و بقیه

توسط اردن هاشمی

و برای مصالح استعمار است، با اینکه تعبیر نارسائی است، ولی لفظی

هم غیر از این برای عنوان این فصل بنظر نمی رسد، در این جا بچند نمونه

از خدمتهای علنی آنها اشاره میشود:

۱- پس از اعلان استقلال، بلافاصله، دولت آمریکا، اسرائیل کی

غاصب را برسمیت شناخت: و تا آنجا که تیغش می برید بدول دیگر

هم توصیه نمود.

۲- دو ماه بعد، همین دولت توسط بانک توسعه صادرات در

تاریخ ۲۹ / ۴ / ۱۳۲۷ صد میلیون دلار با اسرائیل کدک نمود، در تاریخ

۱۵ مارس ۱۹۵۲ م هاندرسن نماینده رسمی وزارت تجارت آمریکا اعلان

کرد که مجموع کمکهای بلاعوض و وام آمریکا در چهار سال بین ۱۹۴۸

و ۱۹۵۲ به اسرائیل هزار میلیون دلار است

۳- در تاریخ ۲۱ / ۲ / ۱۳۲۸ یکسال پس از اعلان استقلال با

همه مخالفتهایی که از طرف دول مسلمین و رفقایشان میشد، با فشار دول

قوی اسرائیل را عضویت سازمان ملل پذیرفتند.

۴- وزرای خارجه آمریکا، انگلستان، فرانسه، در سال ۱۳۲۹

دو سال پس از استقلال اسرائیل و تجاوزاتش برای تثبیت مرز های

او کنفرانسی در لندن تشکیل داده، مرز های موجود خاور میانه را

برسمیت شناخته و تضمین نمودند

۵. حزب منقور بهائی را که آنها ساخته خودشان است، و ادار

کردند که عکای اسرائیل را مرکز فعالیت قرار داده و در همه جای

دنیا این دو حزب می شوم و مفسده جورا بهمکاری و ادار مینمایند.

۶- تا موقعیکه از خطر نفوذ شوروی در خاور میانه نمیترسیدند، یابا اعراب اسلحه نمیدادند و یا اسلحه‌هایی میدادند که در موقع دعوی منجر بشکست آنها میگشت، و از موقعی که خطر شوروی احساس شد، با اینکه سیل اسلحه را بسوی اعراب سرازیر کرده‌اند، همیشه، یک نوع جدید اسلحه به اسرائیل میدهند که در ارتش اعراب نباشد.

اینروزها که خبر کارخانه جت‌سازی مصر و خبر موفقیت مصر در ساختن موشک و سلاح‌های اتمی و میکروبی بهمکاری کارشناسان نظامی آلمان فدرال، پخش شده، دول غرب هم اعلان نمودند که بیپایانه حفظ موازنه در خاور میانه، موشک به اسرائیل خواهند فروخت روزنامه اطلاعات در شماره ۱۱۰۵۷ و رادیو ایران در اخبار تاریخ ۱۳۴۲/۱/۱۴ برای این خبر را بصورت تصمیم آمریکا پخش کردند ولی رادیو صدای آلمان در برنامه فارسی ۱۵/۱/۱۳۴۲ قاش کرد که قرار تحویل موشک بین اسرائیل و آمریکا منعقد شده و کندی رئیس جمهور آمریکا هم در مصاحبه مطبوعاتی مورخ ۱۶/۱/۴۲ باین موضوع اشاره کرد.

### آوارگان

یکی از اسف بارترین آثارشوم غصب فلسطین، حادثه آوارگی و ویلانی، بیش از یکمیلیون نفر از مسلمانان مظلوم است؛ اغلب اینها در اثر حمله‌هایی که در همان اوائل استقلال اسرائیل به شهرها یا دهات و یا محله‌های عرب نشین میشد مجبور بترک تمام هستی خود شده و بکشورهای دیگر یا منطقه عربی فلسطین گریخته‌اند، اینها که تمام موجودی خود را در دست دشمنان رذل خود گذاشته‌اند، خود با دست خالی با فقر و

مشقت جانقرسا زندگی مینمایند .  
 ۴۳۰ هزار از این مسلمانان ، فعلا در آن قسمت فلسطین که بدست اعراب است میباشد و ۱۰۰ هزار نفر در اردن بسر میبرند ، ۱۱۰ هزار نفر از آنها به لبنان پناه برده و ۱۰۰ هزار هم در سوریه زندگی میکنند ، قریب ۲۱۰ هزار باستان عزة که در دست مصر است آواره شده و بیش از ده هزار نفر در ممالک مصر و عراق حجاز . . . پراکنده شده اند .  
 و نزدیک ۲۸۰ هزار نفر هم هنوز از مسلمانان و مسیحیان عرب در منطقه اسرائیل باقی مانده ، و تحت فشار و ایجاد نا راحتی ها و تبعیضات ظالمانه آن حکومت بمرگ تدریجی ادامه میدهند .

طبق صورتیکه اتحادیه عرب ؛ از احوال اعراب آواره که بدست یهود مانده است ، تنظیم نموده به قیمت آن روز قیمت مجموع تر که آنها یک بلیون و نهصد و چهل و سه میلیون لیره استرلینگ است ۱/۹۴۳۰۰۰/۰۰۰ لیره بقراردیل :

- ارزش دوازده هزار و شصت هکتار باغات پر تقال و متعلقات ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ لیره
- یکصد هکتار باغات موز ۱/۰۰۰/۰۰۰ »
- پنجاه و سه هزار شصت هکتار باغات زیتون و متفرقه ۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰ »
- بانصد هکتار اراضی زراعتی ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ »
- یک میلیون و دویست و سی هزار هکتار مراتع ۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ »
- تمام منازل و مستغلات ۱۱/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ »
- اموال منقول از اناث و جواهرات و غیره ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ »
- حسابهای مسدود شده اعراب در بانک انگلیس مقیم اسرائیل ۶/۰۰۰/۰۰۰ »
- حسابهای مسدود نزد شرکتهای و ودایع موجود در شرکت بیمه ۱۱/۰۰۰/۰۰۰ »
- جمع ۱/۹۴۳/۰۰۰/۰۰۰ »

صاحبان این ثروت هنگفت در بلاد غربت، یا در بیابانها و یلان و سرگردان بسر میبرند، و با وضعی زندگی میکنند که راستی عقب مانده ترین و وحشی ترین مردم مناطق دنیا بر ایشان ترحم میکند. متجاوز از سیصد هزار نفر، از صاحبان این ثروت هنوز در بیابان فلسطین، در چادرهایی که سازمان ملل برایشان تهیه کرده و سردی زمستان و گرمای تابستان آنها را رنج میدهد، بسر میبرند، و از ممر اعانات و کمکهای ملل دیگر و احیاناً صدقات و . . . قوت لایموتی بدست می آورند، فرهنگ؛ بهداشت، آب و وسائل زندگی آنها عصر توحش بشر را بیاد میآورد.

یکی از موادی که سازمان ملل متحد در قرار داد ترك مخصوصه بین اعراب و اسرائیل گنجانده است؛ اینست که آوارگانی که مایلند بوطن مراجعت نمایند، اسرائیل موظف است تمام املاك و اموال آنها را پس بدهد و در داخل اسرائیل با کمال آزادی و بدون اینکه تبعیضی در کار باشد زندگی کنند، و آنها که مایل نیستند برگردند طبق نظریه ارزیاب سازمان ملل قیمت املاك آنان بآنها داده شود و اسرائیل هم این را امضاء کرده است.

اما یهود مثل صدها مورد دیگر این ماده را هم نقض کرده و باحدی اجازه مراجعت نمیدهد، پدران مهربان دولت اسرائیل و مادر مهربانش (سازمان ملل) که نمیخواهند پاکزاده آنان دلشکسته شود همه این تجاوزات و نقض عهدها را می بینند؛ در حالیکه در دل غنچ و بر لب تبسم دارند و پشت پرده تحریک هم میکنند فقط گاهی سرزنش

شیرین پدرانه ای متوجه اسرائیل میکنند (۱)

### معمای آوارگان یاروزنه امید

حقیقت اینستکه قضیه آوارگان، اسرائیل و سازمان ملل را در بن بست سختی قرار داده است. زیرا خاک اسرائیل خیلی بیش از آنچه ظرفیت داشته است از مدت‌ها پیش توسط سیل مهاجران (بخیاال خام که دولت اسرائیل بعداً ما لك تمام منطقه فلسطین میشود) اشغال شده است. تراکم جمعیت بقدری است که بهیچوجه امکان پذیرفتن یکمیلیون آواره را ندارد.

زیرا در وسعت ۲۰۸۵۰ کیلو متر که بنظر خود سازمان ملل ۶۵۰۰ کیلو متر آن غصبی است و باید به منطقه عربی فلسطین برگردد. جمعیت فعلاً زندگی میکنند. اگر این یکمیلیون نفر را برگردند و املاک خود را پس بگیرند وضع اقتصادی مردم اسرائیل بهم میخورد و انگهی مگر این دولت جوان میتواند با وجود قریب یکمیلیون و نیم دشمن سرسخت داخلی و آنهمه دشمن که اطراف او را حصار کرده اند

(۱) طبق آمار رسمی مملکت اردن هاشمی، در ۲۶ ماه اول تشکیل

حکومت غاصب اسرائیل ۶۲۴ مرتبه این دولت ظالم در مرز اردن دست بتجاوز زده است و غیر از غارتها و دزدبہائی که کرده اند؛ متجاوز از صد نفر کشته، هشتاد و پنج نفر مجروح نموده و هشتاد و سه نفر مفقود الاثر شده اند.

و منابع قطعی رسمی نشان میدهد که در خلال شش سال بین ۱۳۲۸ و ۱۳۳۴ یکهزار و یازده مرتبه به کشورهای اسلامی مجاور تجاوز کرده است

بحیات کثیف خود ادامه دهد؟!

خوشبختانه با همه رنجهای طاقت فرسائی که آوارگان میبرند، این قضیه از نظر اینکه حادثه فلسطین را همیشه تازه نگهدارد و احساسات زنده اعراب را زنده تر کند بهترین ماده است و فقط همین موضوع است که مایه امید است و از همین مجری است که ممکن است روزی باتمسک به قانون سازمان ملل فلسطین عزیز از دست یهودیان غاصب نجات یابد.

درسایه همین عامل است که دنیای عرب با همه تشمت و اختلافاتی که دارد باتفاق کلمه علیه حکومت اسرائیل دست بکار است این قضیه بقدری به مسئله فلسطین حساسیت داده که هر دولت عربی اگر مختصر اظهار تمایلی به اسرائیل نماید فوراً بدست ملت خود ساقط میگردد (سقوط فاروق در مصر و نوری سعید در عراق معلول همین است) جای خوشبختی است که خود آوارگان و اعراب کاملاً باین نکته پی برده اند و بهیچوجه حاضر نیستند ولو با گرفتن هر امتیاز؛ دست از حق رجوع بوطن خود بردارند.

سازمان ملل برای اینکه این ماده را بخشکاند، مکرر از دول عرب خواسته است که آوارگان را بعنوان تابع ملت خود بپذیرند، ولی اعراب که فریبهای متوالی این سازمان انحصاری واستعمارگران، درس روانی بآنها داده؛ رسماً اعلام کرده اند که پذیرفتن یکتفرز از آنها هم بعنوان تابع برایشان مقدور نیست و خود آوارگان هم صریحاً میگویند: هیچ راه حلی غیر از ارجاع بوطن را نخواهند پذیرفت و علی رغم گمان

اسرائیل و استعمار گران تحمل رنجها، آنها را نه تنها خسته و منصرف نکرده بلکه برای رجوع به وطن حریص و جدیتر نموده است.

### خطر یهود

خطر اتیکه از ناحیه جاسوسی و خرابکار یهود در ممالک اسلامی ایجاد میشود آنقدر زیاد است که همه کس برای خود چند مورد را می دانند در عراق، سوریه، لبنان مکرراً شبکه های جاسوسی و خرابکاری یهود کشف شد.

ضرر هائیکه تا بحال از ناحیه این دولت پوشالی بدنیای اسلام و مخصوصاً عرب وارد شده است واقعاً از حساب بیرون است هزارها کشتگان کشتارهای دوره نوسان فلسطین، غارتها، چپاولها، جنگها نا امنیها، خسارتهای قحطیها، جاسوسیها، آواره گیها و صدمات روحی فراوان و اخلاص گریها . . . چیز هائی است که تا کنون میوه این درخت مبارک بوده است.

نقشه واقعی یهود و دول استعمار گران از ابتدای شاعی خیلی وسیع تر از این داشته هنوز هم برای اجرای آن دنبال فرصتند از گفته ها و نوشته های آنها بر می آید هدف اینست که تمام یهود عالم که تقریباً پانزده ملیون نفرند در این منطقه جمع شوند و حکومتی مستقل و محکم تشکیل دهند و برای این منظور مساحتی چند برابر خاک اسرائیل لازم دارند. در توریة موجود در دست اینها وعده تصرف منطقه وسیعی که از لبنان تا رود نیل و از بحر متوسط تا ساحل فرات امتداد دارد. موجود است، و بن گوریون نخست وزیر اسرائیل در نطقیکه هزار و سیصد و بیست و هفت



در سازمان ملل نموده بهمین مضمون اشاره کرده است و نورمان یهودی در کتاب (فلسطین الیهود) عین عبارت تورا را چنین نقل کرده است:  
 الارض الموعود هی من البحر المتوسط حتی الفرات ومن لبنان حتی نهر النيل .

نقشه‌هایی که برای اسرائیل ایدال آنها بصورت رسمی از طرف دولت منتشر شده شامل تمام فلسطین و اردن ، سوریه ، لبنان مقدار زیادی از عراق قسمت وسیعی از مصر (تمام صحرای سینا و دلتای نیل) و قطعه ای از حجاز که مشتمل بر مدینه منوره است میباشد و مکرر مردم از اراضی خیبر میزنند در نقشه‌های مدارس یهود ، کنار اردن و بقیه فلسطین نوشته شده است «اسرائیل فعلا بدست اعراب است» در خصوص تصرف مسجد اقصی و آرزوی بنای هیکل سلیمان بر قبه صخره مقدس بسیار سخن میگویند .

اسرائیل کاملاً بدشمنی اعراب واقف است و خوب میداند که مسلمین مترصد فرصتی هستند که حکومت اسرائیل را ریشه کن کنند و لذا بیشتر سعی او متوجه تقویت نظامی شده است و غیر از مخارج مخفی که در راه تسلیح و تقویت دارد طبق مدارک موجود پنجاه و یک درصد از بودجه اش مصرف قوای نظامی میشود ، و خدمت نظام برای عموم زن و مرد اجباریست و تقریباً جدید یهود فلسطین در موقع احتیاج میتوانند در ارتش خدمت کنند از بابان استعمارگر او هم همیشه از کمکهای نظامی بیحد و حصر دریغ ندارند و غیر از همه اینها تمام یهود عالم موظفند که بعنوان تقویت بنیه نظامی اسرائیل در مقابل ممالک عربی کمکهای

مالی بنمایند و باهمد کوششی که در راه تقلیل واردات دارند وارد کردن اسلحه بهیچوجه محدودیتی ندارد .

ضرر دیگری که همین دولت کوچک موجود اسرائیل دارد اینست که وحدت جغرافیائی ممالک عربی را بهم زده و سد عظیمی بین منطقه شام و عراق و جزیره العرب از طرفی . و مصر و بلاد مغرب از طرف دیگر واقع شده و راه این دو قسمت مهم را از یکدیگر قطع کرده است .

### مبارزه اسرائیل

با آنچه که در مظالم اسرائیل گفتیم معلوم شد که مبارزه با اسرائیل و وظیفه هر فرد مسلمان و وظیفه هر کسی است که معتقد به عدالت است .

از حق نمیشود گذشت که جامعه اعراب ، در مورد فلسطین بسیار خوب مبارزه کرده است با اینکه میدانستند دولتهای بزرگی که حامی اسرائیل هستند و در زندگی خود اعراب هم تأثیر فراوان و نفوذ شدیدی دارند از مبارزه با اسرائیل خیلی ناراحت میشوند مع ذلك از مبارزات مثبت و منتهی خودداری نمیکنند؛ بمبارزات مثبت آنان در دوران انقلابات فلسطین پس از قیام اسرائیل اشاره ای نمودیم .

در مورد مبارزات منتهی انصافاً تا بحال خیلی خوب ادامه داده اند بطوریکه شواهد نشان میدهد تصور آشتی هم برای اعراب بسیار گران است بمحض اعلان استقلال اسرائیل جامعه دول عربی یک تصمیم جدی گرفت و بلا فاصله یک حصار اقتصادی محکمی بدور اسرائیل کشید

مجلس رسمی جامعه با امضاء تمام ممالک عربی ، تمام انحاء ارتباطات اقتصادی با اسرائیل را حرام کرد و برای متخلفین مجازات شدید مقرر کرد طبق دستور این مجلس ، مصرف کردن کالاهای اسرائیل اکیداً ممنوع و فروختن هر نوع کالا با آنها نامشروع شده با توجه باینکه اسرائیل برای آب کردن مصنوعات خود احتیاج شدید بی بازار آنها در کشورهای مجاور دارد عظمت این اقدام خیلی روشن است و از طرفی در اثر کوچکی خاک و کثرت کارخانجات و تورم جمعیت احتیاج زیادی بمواد خام دارد و آوردن مواد خام از ممالک دور دست هم صرف نمیکند منع فروش مواد خام بر آنها خیلی گران تمام میشود .

پا را بالاتر گذاشته و مقرر کردند با ممالکی که با اسرائیل ارتباطات حسنه دارند دول عربی عضو جامعه ، حق ندارند با آنها ارتباط برقرار کنند

هنوز هیچیک از دول عربی اسرائیل را بر سمیت نشناخته و اغلب ممالک اسلامی هم حاضر نشده اند او را بر سمیت بشناسند و اگر احیاناً مملکتی اسلامی اسرائیل را شناخت فوراً مورد قهر ممالک عربی واقع گردید ، کدورتی که فعلاً بین ایران و بعض ممالک عربی موجود است روی همین اصل است و امیدواریم بزودی ایران جبران نماید .

لیاقت علیخان نخست وزیر پاکستان در جواب دول غربی که تقاضای شناختن اسرائیل را از او کردند گفت :

عجیباً ! معلوم میشود در دموکراسی رسمی امروز جهان باید به زور گو مشلق هم داده عده غارتگر خانه مسلمین را غصب کرده اند

و سرپرستهای آنها از ما میخواستند که بتجاوز آنها تبریک و تهنیت

بگوئیم . عقیده اکثر مسیحیها و جمعی از صوفیها (۱) بر اینست

و قتیکه ملت رشید الجزائر پس از هشت سال مبارزه استقلال

بدست آوردند و دولت اسرائیل اعلان کرد که الجزائر را بر سمیت

شناخته ؛ رئیس جمهور الجزائر با شدت ، شناختن او را رد کرد و

بصراحت گفت تو دولت غاصب صلاحیت چنین اظهاری را نداری . از سرگ

دیگر خبر نیست که چگونه این کشور را شناختند ؛ آنها شناختند ؛



دست روحانیون و اشراف بر اداء زیارت خود و استعمار و بهره برداری

باز کرده که باین جهت ، در کتب و مقالاتی که در این باره نوشته شده

مقتضای اینست که در این باره نیز تحقیق و پژوهش بیشتری

مستلزم است . از این جهت ، در این کتاب ، سعی شده است تا

بعضی از این مطالب را در این کتاب جمع کرده و آنرا در اختیار

قاریان عزیز قرار دهیم . امید است که این مطالب نیز مورد

توجه و نظر شما قرار گیرد . در این کتاب ، مطالب علمی و تاریخی

در باره قضیه فلسطینیه ، از کرم زعیترا ، از کرم زعیترا ،

مسلمین جهان ، از کرم زعیترا ، از کرم زعیترا ،

لغت نامه دهخدا ، از کرم زعیترا ، از کرم زعیترا ،

دائرة المعارف ، از کرم زعیترا ، از کرم زعیترا ،

خطر جهود ، از کرم زعیترا ، از کرم زعیترا ،

تمدن اسلام و عرب ، از کرم زعیترا ، از کرم زعیترا ،

ندائی از سرزمین بیت المقدس ، از کرم زعیترا ، از کرم زعیترا ،

اسرار مخفی جهود ، از کرم زعیترا ، از کرم زعیترا ،

حاج میرزا خلیل کمره ای

اسرار مخفی جهود